

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۲۱، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۷، صفحات ۱-۲۴

تحلیل اثرات طرح خروج دام از جنگل بر مردم محلی: مطالعه موردی روستای سیاه‌دره نهاوند

مهدی رحیمیان، مرضیه فراشی، سعید غلامرضایی، و امین براخاص*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۲

چکیده

هدف کلی پژوهش حاضر بررسی آثار و پیامدهای اجرای طرح خروج دام از جنگل در روستای سیاه‌دره شهرستان نهاوند بود، که به صورت کیفی و با استفاده از روش نظریه بنیانی انجام شد. جمع‌آوری اطلاعات از طریق مشاهده نیمه‌مشارکتی و مصاحبه نیمه‌ساختارمند در سال ۱۳۹۴ و در قالب گروه‌های بحث متمرکز صورت گرفت. جامعه آماری تحقیق سرپرستان خانوارهای ساکن روستای مورد مطالعه بودند. نمونه‌گیری تحقیق به صورت هدفمند و تا زمان اشباع نظری داده‌ها پیش رفت. پایایی پرسشنامه از طریق یادداشت‌برداری نکات کلیدی مطرح‌شده در مصاحبه‌ها، ایجاد نوعی تعامل دو طرفه با مصاحبه‌شوندگان و سه‌وجهی‌سازی و روایی آن نیز از طریق راهبرد «بازخورد مشارکت‌کننده» تأیید شد. تحلیل اطلاعات گردآوری‌شده از طریق مصاحبه و مشاهده با استفاده از روش‌های تحلیل کیفی و از طریق استخراج، دسته‌بندی، طبقه‌بندی و دستیابی به مفاهیم کلی در قالب روش نظریه بنیانی انجام گرفت. طبق نتایج به دست آمده، اثرات خروج دام از جنگل

* به ترتیب، نویسنده مسئول و استادیار گروه اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، دانشگاه لرستان (rahimian.m@lu.ac.ir)؛ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشگاه لرستان؛ استادیار گروه اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، دانشگاه لرستان؛ و دانش‌آموخته کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشگاه لرستان

در شش دسته شامل (۱) تضعیف و رکود فعالیت‌های دامداری، (۲) اثرات مثبت و منفی بر وضعیت مالی روستاییان، (۳) پیدایش معضلات اجتماعی در روستا، (۴) تضعیف روحیه مشارکتی روستاییان در حفظ جنگل‌ها و مراتع، (۵) عدم پایبندی سازمان‌های دولتی به تعهدات طرح، و (۶) اثرات سوء روحی و روانی طبقه‌بندی شدند. در پژوهش حاضر، پیشنهادهای برنامه‌ریزی جامع در راستای سامان‌دهی پرورش دام و تلاش دولت برای عملی کردن وعده‌های داده‌شده به جنگل‌نشینان به‌منظور رفع مشکلات اجرایی طرح ارائه شد.

کلیدواژه‌ها: خروج دام از جنگل، نظریه بنیانی، نهاوند (شهرستان)، سیاه‌دره (روستا).

مقدمه

در سراسر جهان، از دیرباز، مدیریت جنگل برای تولید چوب به یکی از بحث‌برانگیزترین و گاهی اوقات نیز به موضوعی تفرقه‌افکن در مسائل مربوط به منابع طبیعی تبدیل شده (۲۳، ۳۷) و بسیاری از بحث و جدل‌ها به‌خاطر تأثیرات مخرب قطع درختان بر دیگر ارزش‌های جنگل و به‌خصوص حفاظت از تنوع زیستی صورت گرفته است (۱۶، ۱۳). تخریب ناشی از فعالیت‌های انسانی نیز که اغلب شامل فعالیت‌های دامداری و قطع درخت است، موفقیت تجدید حیات گونه‌های چوبی را که خود ساختار و ترکیب گونه‌ای جنگل را معین می‌کند، به‌شدت تحت تأثیر قرار داده است (۷). قطع درخت به عنوان شروع فعالیت‌های گسترده برداشت در جنگل بوده که شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌های پشت‌سرهم برای جدا کردن درخت از کنده در توده‌های جنگلی و مهیا نمودن آنها برای خروج از جنگل است (۱۰). قطع درختان یکی از مهم‌ترین اشکال بهره‌برداری و در واقع، بهره‌کشی افراد بومی از جنگل است و می‌تواند تأثیرات قابل توجه بر تنوع زیستی و خدمات اساسی هر زیست‌بوم داشته باشد (۱۷). در این بین، نکته بسیار مهمی که مورد غفلت بسیاری از بهره‌برداران جنگل قرار گرفته، بهره‌برداری ناپایدار از جنگل‌هاست. حتی اگر استفاده از منابع جنگلی برای تهیه سوخت‌های فسیلی باشد، کشت و برداشت این سوخت‌ها باید به شیوه‌ای پایدار صورت گیرد (۳۱). این در حالی است که موقعیت ضعیف اقتصادی ساکنان جنگل نه‌تنها موجب

بی‌ثباتی پوشش گیاهی و بالا رفتن نرخ تخریب در سطح منطقه‌ای می‌شود، بلکه ممکن است به‌طور غیرمستقیم منجر به تغییرات آب و هوایی در سطح جهانی شود (۲). با شروع دهه ۱۹۹۰، مدیریت پایدار جنگل در سیاست‌گذاری‌های مربوط به جنگل در سطح جهان بسیار اهمیت یافت (۳۵). همچنین، در اروپا نیز با ورود به دورهٔ پساصنعتی، ابعاد زیست‌محیطی و اجتماعی به مقولهٔ مدیریت پایدار جنگل اضافه شده است (۱، ۲۵). اما با همهٔ این تفاسیر و علی‌رغم اینکه ضرورت مدیریت جامع، یکپارچه و پایدار منابع طبیعی توسط بیشتر جوامع احساس شده است (۹)، هنوز هم «برنامه‌ریزی سنتی» به عنوان رهیافت غالب در بهره‌برداری از جنگل در بسیاری از کشورها مد نظر قرار می‌گیرد (۳۰). مدیریت جنگل را می‌توان شامل مراحل تولید، بهره‌برداری و توزیع تولیدات دانست که طی آن، بهره‌برداران جنبه‌های فنی و اجتماعی در مدیریت جنگل را به عنوان بخشی از یک نظام واحد در نظر می‌گیرند (۲۲). در تعریفی دیگر، مدیریت پایدار جنگل به‌طور عمده وابسته به به‌کارگیری مجموعه‌ای از اصول زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی و جنبه‌های سیاسی است (۲). به‌طور خلاصه، مدیریت پایدار جنگل مدیریتی است که از یک سو، به توازن و پایداری چوب و سایر خدمات تولیدشده و از سوی دیگر، به سلامتی محیط زیست جنگل کمک می‌کند (۶، ۸).

در دو دهه اخیر، بهره‌برداری پایدار از جنگل مورد توجه بسیاری از کشورها و به‌خصوص کشورهای توسعه‌یافته قرار گرفته است (۲۴). طرح خروج دام از جنگل از جمله طرح‌هایی است که از سال ۱۳۶۹، در شمال کشور (۴) و در حال حاضر، در مناطقی دیگر از کشور چون شهرستان نهاوند به اجرا درآمده است. با توجه به اینکه اجرای هر طرح یا پروژه‌ای می‌تواند بر زندگی ساکنان زیر پوشش آن تأثیرگذار باشد، ضروری است که با شناخت و تحلیل چنین طرح‌هایی، شیوه‌های مدیریتی اجراشده در قبال منابع طبیعی و به‌ویژه جنگل‌ها مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

طرح سامان‌دهی خروج دام از جنگل به مجموعه عملیات اجرایی اطلاق می‌شود که طی آن، دامداران در داخل جنگل شناسایی می‌شوند و بر اساس توافقات فی‌مابین، دامدار داخل جنگل باید با پذیرش یکی از روش‌های فروش حقوق ارتفاقی، انتخاب شغل جایگزین، واگذاری زمین کشاورزی، یا ادامه دامداری صنعتی در خارج از جنگل، دام‌های خود را خارج کرده و عرصه آزادشده بلافاصله نهال‌کاری شود (۲۱). این طرح با اهداف زیادی از قبیل حفظ اصل سرمایه و بهره‌برداری مستمر از جنگل‌ها، افزایش کمی و کیفی رویش جنگل و استمرار تولید، استفاده حداکثری از توان تولید داخلی در راستای خودکفایی و کاهش خروج ارز، و افزایش تولیدات دامی با عنوان «طرح تحول سیستم دامداری» در سال ۱۳۵۹ مطرح و در سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ در دفتر فنی جنگل‌داری تهیه و ارائه شد. همچنین، این طرح همگام با برنامه اول توسعه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی در سطح نوسهر، ساری، گیلان و گلستان اجرا شد که از طریق مشارکت دولت و دامدار به صورت سهم دولت شامل واگذاری زمین و احداث تأسیسات دامداری و سهم دامدار شامل تأمین ماشین‌آلات کشاورزی و خرید دام دورگه از طریق سرمایه‌گذاری شخصی و اخذ تسهیلات بانکی انجام می‌شد. در برنامه پنج‌ساله دوم به منظور تسریع در اجرای طرح و کاهش فشار مالی از دوش دولت، ساخت تأسیسات حذف و به‌جای آن، برنامه بر مبنای واحد ارزشگذاری یعنی، پرداخت حقوق مابه‌ازای خروج دام از جنگل به صورت وجه و یا واگذاری زمین معادل مبلغ مابه‌ازا به اجرا گذاشته شد. در برنامه سوم، اجرای طرح خروج دام از جنگل در قالب برنامه دوم دیده شد و در برنامه چهارم، از سال ۱۳۸۳ به بعد، اجرای طرح تنها در قالب پرداخت مبلغ مابه‌ازای خروج دام از جنگل به اجرا درآمده است (۱۹). در جنگل‌های زاگرس نیز با گذشت بیش از چهل سال از آغاز تهیه طرح‌های جنگل‌داری، تصمیماتی متفاوت برای این جنگل‌ها به اجرا درآمده و یا در بیشتر موارد، این تصمیم‌گیری‌ها بر مبنای کار کارشناسی و تخصصی نبوده است. به نظر می‌رسد که در شناخت دقیق نقش مدیریتی مردم محلی این جنگل‌ها، تاکنون اقدامات نهادینه‌بایسته صورت

نپذیرفته است. طرح‌های تهیه‌شده پیشین، به‌رغم تلاش‌های فراوان، نتوانسته‌اند به اهداف سازمانی طرح‌های جنگل‌داری دست یابند (۳۹).

در بین مناطق واقع در جنگل‌های زاگرس، شهرستان نهاوند در استان همدان از جمله مناطقی است که به دلیل پراکندگی روستاها، سوخت‌رسانی و تأمین انرژی برای روستاییان به‌عنوان نیاز اولیه و اساسی، با دشواری‌هایی همراه است، به‌گونه‌ای که برخی از روستاییان برای تأمین انرژی مورد نیاز خود، اقدام به قطع درختان می‌کنند و ناچارند از درختان جنگلی به‌عنوان منبع تأمین سوخت استفاده کنند. این در حالی است که می‌توان با کاربست دیگر اشکال انرژی مانند انرژی خورشیدی برای تولید برق و انرژی بیوگاز برای سوخت، به کاهش تخریب جنگل‌ها کمک کرد (۱۸).

از سوی دیگر، نبود زمینه‌های اشتغال و زیرساخت‌های تولید در بخش صنعت و کمبود توان‌های لازم برای توسعه فعالیت‌های زراعی و باغی در روستاهای دورافتاده شهرستان نهاوند منجر به روی آوردن روستاییان این شهرستان به پرورش و نگهداری دام به شکل سنتی شده است. از این‌رو، دامداری از جمله منابع تأمین معیشت ساکنان این مناطق است. از آنجا که منبع تهیه علوفه برای تغذیه دام‌ها از منابع طبیعی پیرامون روستا و به‌ویژه از جنگل‌های اطراف است، این معضل و در کنار آن، تهیه سوخت از جنگل، به‌عنوان دو عامل تهدیدکننده سلامت و پایداری جنگل‌های شهرستان نهاوند به‌شمار می‌روند. به همین دلیل، در این منطقه نیز طرح صیانت از جنگل و در راستای آن، خروج دام از جنگل از طرف اداره منابع طبیعی این شهرستان به اجرا درآمده است.

در شهرستان نهاوند، طرح ملی صیانت از جنگل از سال ۱۳۸۱ آغاز و تاکنون در حال اجراست. منطقه مورد مطالعه تحقیق حاضر روستای سیاه‌دره واقع در این شهرستان بوده که در زمان انجام این طرح، طی یک مرحله، به هر کدام از خانوارهای ساکن در این روستا مبلغ پنج میلیون تومان در ازای خروج دام از جنگل پرداخت شده است. روستای سیاه‌دره در شصت کیلومتری شهرستان نهاوند و در منطقه کوهستانی قرار دارد که به دلیل فاصله زیاد از

شهر، گازرسانی به این روستا انجام نشده است. از این رو، برای گرم کردن آب مصرفی در روستا هفده دستگاه آبگرمکن خورشیدی با هدف کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی و حفظ منابع جنگلی به صورت رایگان در اختیار اهالی روستا قرار داده شده است (۲۰).

از آنجا که شرایط طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر هر منطقه و روستا متفاوت از دیگر مناطق و روستاهاست، طبیعتاً اجرای هر پروژه و طرحی در یک منطقه روستایی آثار و پیامدهایی متفاوت با دیگر مناطق از خود به جای خواهد گذاشت. طرح خروج دام از جنگل نیز از این قاعده مستثنی نیست. خروج دام از جنگل در این منطقه هم دارای اثرات مثبت و هم دارای اثرات منفی بر وضعیت مردم محلی است. با توجه به نبود مطالعه‌ای جامع در خصوص بررسی اثرات چنین طرحی در شهرستان نهاوند ضرورت انجام پژوهشی در این زمینه بیش از پیش احساس می‌شود. از این رو، تحقیق حاضر، با هدف تحلیل آثار و پیامدهای اجرای طرح خروج دام از جنگل در وضعیت اقتصادی و اجتماعی زندگی مردم محلی روستای سیاه‌دره در شهرستان نهاوند انجام شده است.

تحقیقات مختلفی در زمینه موضوع تحقیق حاضر انجام شده است. نتایج تحقیق فرامرزی (۱۱) نشان داده است که وضعیت افراد خارج‌شده از جنگل به نسبت افرادی که در جنگل مانده‌اند، از لحاظ امکانات رفاهی بهبود یافته و وابستگی افراد اسکان‌داده‌شده در خارج از جنگل به جنگل کمتر شده است. نتایج تحقیق فاضلی و محمدی پارسا (۱۲) در شهرستان گالیکش استان گلستان نشان داد که عرضه خدمات زیربنایی مهم‌ترین عامل توانمندساز و رضایت‌بخش نزد کوچ‌کنندگان بوده و درآمد حاصل از اشتغال ایجادشده برای خانواده‌ها نسبتاً مناسب است. پایبند نبودن دولت به وعده‌های خود به‌ویژه در ایجاد دامداری صنعتی و تعاونی روستایی و کم شدن زمین‌های کشاورزی و دام‌ها و از دست دادن خودکفایی نسبی جنگل‌نشینان، در کنار عدم برنامه‌ریزی برای اشتغال نسل دوم کوچ‌کنندگان و آسیب‌های اجتماعی به‌وجود آمده، از مهم‌ترین دلایل نارضایتی‌های موجود است. توحیدی و همکاران (۳۳) در پژوهش خود دریافتند که درآمد خانوارهای خارج‌شده

از جنگل با اختلاف معنی داری به پایین تر از درآمد خانوارهای مانده در جنگل رسیده است. همچنین، طبق دیگر نتایج این تحقیق، جنگل نشینان علاقه بیشتری به دریافت زمین به جای دریافت پول داشتند و تعدادی از آنها خواهان بازگشت به جنگل بودند. بر اساس نتایج مطالعه رضوانی و هاشم‌زاده (۲۶)، خروج دام از جنگل یکی از راهکارهای حفاظت از جنگل به‌شمار می‌رود، به طوری که به باور این محققان، میزان زنده‌مانی نهال‌ها بعد از خروج دام از جنگل به‌طور معنی داری بهبود یافته است. این مطالعه همچنین نشان داده است که در صورت خروج دام از جنگل، اضافه درآمد سالانه حاصل از جنگل به‌تنهایی ۱/۶ برابر درآمد سالانه به‌دست آمده از دامداری در آن است. مرادی‌نژاد و همکاران (۱۸)، در پژوهش خود، پیشنهادهایی از قبیل حمایت بخش‌های دولتی برای تأمین سوخت‌های مورد نیاز روستاییان، آگاه کردن روستاییان از عواقب نابود شدن جنگل‌ها، و استفاده از انرژی‌های نو با توجه به قابلیت‌های هر منطقه ارائه کرده‌اند. گیلانی‌پور و همکاران (۱۴)، در مطالعه خود، پیشنهادهایی چون دادن تسهیلات لازم به روستاییان، اصلاح نژاد دام و مدیریت بهینه دامداری و همچنین، برگزاری دوره‌های آموزشی به‌منظور ارتقای سطح فرهنگ زیست‌محیطی مردم را برای بهبود اجرای طرح ارائه کرده‌اند. عظیمی و امیری لمر (۳) در تحقیق خود بدین نتیجه رسیدند که طرح خروج دام از جنگل از لحاظ تأمین و ارائه خدمات عمومی برای جنگل‌نشینان تا حدودی موفق بوده، اما از نظر تأمین اشتغال، تولید و درآمدزایی موفقیت چندانی نداشته است. یخکشی (۳۸)، طی پژوهشی در استان مازندران، بر این باور است که وابستگی روستاییان به جنگل تقریباً نیمی از زندگی آنها را پوشش می‌دهد و در صورت جایگزین کردن یک منبع مالی، می‌توان این وابستگی را کاهش داد و از تخریب جنگل توسط این مردمان جلوگیری کرد. در بنگلادش، «مدیریت مشارکتی جنگل»^(۱) به عنوان بهترین راهبرد مدیریت جنگل‌های بنگلادش با توجه به شرایط اقتصادی-اجتماعی و همچنین، ظرفیت‌های بوم‌شناختی جنگل‌ها شناخته شده است. هدف اصلی مدیریت مشارکتی تأمین نیازهای شهری و روستایی اهالی منطقه با حفظ موجودی

جنگل است (۲۹). ریشی (۲۷) نیز بر این عقیده است که دولت باید با در نظر گرفتن وضعیت معیشتی اهالی منطقه و از راه آموزش استفاده صحیح مردم از جنگل را به سمتی سوق دهد که موجودیت جنگل به خطر نیفتد. سعیدی و نجفی (۲۸) در تحقیقی دریافتند که متغیرهایی چون تعداد دام‌ها، تعداد خانوارهای روستا، و فعالیت دامداری به عنوان منبع تأمین درآمد خانوارها در اجرای طرح خروج دام از جنگل و سامان‌دهی ساکنان جنگل مؤثرند. نتایج تحقیقی در کشور هندوستان نشان داد که درآمد مردم نسبت به قبل از اسکان دو برابر می‌شد، اما آنها به خاطر خرید کالاهای ضروری چون سوخت و غذا، بخش زیادی از درآمد به دست آمده را از دست می‌دادند. بنابراین، خانوارهای اسکان‌یافته به نسبت قبل از اسکان فقیرتر شده بودند (۳۴). یافته‌های پژوهشی دیگر در کشور اتیوپی نشان داد که طرح‌های اسکان مجدد به طور معمول بر اساس اهداف کوتاه‌مدت سیاسی اجرا می‌شوند و به دلیل عدم برنامه‌ریزی هدفمند و مستمر، نهایتاً منجر به حفاظت از محیط زیست نمی‌شوند، بلکه به معضلات اجتماعی چون نزاع و درگیری قبیله‌ای و از بین رفتن بیشتر جنگل‌ها در این منطقه انجامیده‌اند (۳۶).

همان‌طور که اشاره شد، اجرای هر پروژه و طرحی در مناطق روستایی آثار و پیامدهای مختلف را از خود به جای خواهد گذاشت و طرح خروج دام از جنگل نیز از این قاعده مستثنی نیست. بررسی مطالعات پیشین در این زمینه نشان داد که خروج دام از جنگل دارای اثرات مثبت و منفی بر وضعیت مردم محلی است. برخی از مطالعات خروج دام از جنگل را یکی از راهکارهای حفاظت از جنگل برشمرده‌اند. برخی دیگر بر این باورند که این طرح موجب از دست رفتن شغل اولیه ساکنان جنگل شده است، به طوری که تعدادی از جنگل‌نشینان حتی خواهان بازگشت به جنگل بودند. در یک جمع‌بندی کلی از تحقیقات پیش‌گفته، می‌توان پیامدهای مثبت طرح خروج دام از جنگل را شامل مواردی چون بهبود امکانات رفاهی، افزایش عرضه خدمات زیربنایی، و تأمین و ارائه خدمات عمومی برای جنگل‌نشینان و نیز اثرات منفی این طرح را مشکلاتی از قبیل کم شدن زمین‌های کشاورزی

و دام‌ها، مسئله اشتغال نسل دوم کوچ‌کنندگان، پایبند نبودن دولت به وعده‌های خود به‌ویژه در ایجاد دامداری صنعتی و تعاونی روستایی، و معضلات اجتماعی چون نزاع و درگیری قبیله‌ای برشمرد. اگرچه در این بین، نتایج برخی از تحقیقات حاکی از افزایش درآمد مردم محلی در اثر اجرای طرح خروج دام از جنگل بود و تعدادی دیگر از پژوهش‌ها در این زمینه نشان‌دهنده کاهش درآمد ساکنان محدوده طرح بودند، دلیل این تناقض احتمالاً به نحوه اجرای طرح در مناطق مختلف برمی‌گردد. برخی دیگر از مطالعات راهکارهایی در خصوص اجرای بهتر این طرح ارائه کرده‌اند، که از آن جمله‌اند راهکارهایی چون حمایت بخش‌های دولتی برای تأمین سوخت‌های مورد نیاز روستاییان، اصلاح نژاد دام و مدیریت بهینه دامداری، و آموزش استفاده صحیح مردم از جنگل.

هدف کلی از انجام پژوهش حاضر بررسی آثار و پیامدهای اجرای طرح خروج دام از جنگل در روستای سیاه‌دره شهرستان نهاوند بوده و برای دستیابی بدان، اهداف اختصاصی زیر قابل تعریف است:

- ۱- ترسیم سیمای اقتصادی و اجتماعی منطقه مورد بررسی،
- ۲- دسته‌بندی آثار خروج دام از جنگل در منطقه،
- ۳- تحلیل و تفسیر اثرات دسته‌بندی‌شده خروج دام از جنگل، و
- ۴- ارائه پیشنهادهایی در راستای بهبود طرح خروج دام از جنگل.

روش‌شناسی

تحقیق حاضر، به لحاظ پارادایم، از نوع تحقیقات کیفی و به لحاظ هدف، از نوع تحقیقات کاربردی است. اطلاعات مورد نیاز در پژوهش حاضر با استفاده از ابزارهای مصاحبه نیمه‌ساختارمند و مشاهده جمع‌آوری شده است. مشاهدات به صورت نیمه‌مشارکتی و مصاحبه‌ها نیز در قالب گروه‌های بحث متمرکز^(۲) انجام شد. در طول مصاحبه‌ها، از گروه‌ها خواسته شد که پیرامون اثرات طرح خروج دام از جنگل به بحث و تبادل نظر بپردازند. در این روش، محققان با هدایت مباحث و جلوگیری از انحراف موضوع اصلی به‌نوعی نقش

تسهیل‌گر را ایفا می‌کنند. گروه تحقیق در طول مصاحبه‌ها با معرفی موضوع به اعضای گروه‌ها و جمع‌بندی موضوعات مطرح‌شده و قرار دادن دوباره مسائل دسته‌بندی‌شده در اختیار اعضای گروه‌ها، به تشریح عمیق‌تر مسئله تحقیق توسط افراد مورد مصاحبه کمک خواهند کرد. از آنجا که جامعه آماری تحقیق حاضر شامل سرپرستان خانوارهای روستای سیاه‌دره در شهرستان نهاوند بود، نمونه‌گیری به صورت هدفمند و تا زمان اشباع نظری داده‌ها پیش رفت.

اشباع نظری زمانی حاصل می‌شود که داده جدیدی به داده‌های دریافت‌شده اضافه نشود و پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان تکراری شود (۳۲). از این‌رو، نمونه تحقیق ۲۲ نفر از سرپرستان خانوارهای روستای سیاه‌دره واقع در شهرستان نهاوند در استان همدان در سال ۱۳۹۴ بودند که در قالب نه گروه اطلاعات لازم از آنها گرفته شد. تحقیق حاضر با استفاده از نظریه بنیانی انجام شده است. نظریه بنیانی از جمله روش‌های پرکاربرد در بین روش‌های تحقیق کیفی است که در آن، نظریه‌ای استخراج می‌شود که ریشه در داده‌های جمع‌آوری‌شده دارد. در پژوهش حاضر، تحلیل اطلاعات گردآوری‌شده از طریق مصاحبه و مشاهده با استفاده از روش‌های تحلیل کیفی و از طریق استخراج، دسته‌بندی، طبقه‌بندی و دستیابی به مفاهیم کلی در قالب روش نظریه بنیانی انجام شد؛ همچنین، پایایی پرسشنامه از طریق یادداشت‌برداری نکات کلیدی مطرح‌شده در مصاحبه‌ها، ایجاد نوعی تعامل دوطرفه با مصاحبه‌شوندگان و سه‌وجهی‌سازی صورت گرفت. برای سه‌وجهی‌سازی، از راهبرد «تکثرگرایی داده»^(۳) استفاده شد. این راهبرد بر جمع‌آوری اطلاعات از منابع مختلف تأکید دارد (۵). به همین منظور، تکمیل و صحت اطلاعات دریافت‌شده از سرپرستان خانوارها با کمک «مسئولان محلی» شامل دهیار روستا و اعضای شورای ده و «کارکنان ادارات دولتی» انجام شد. همچنین، روایی پرسشنامه نیز از طریق راهبرد «بازخورد مشارکت‌کننده»^(۴) تأمین شد.

در این راهبرد، برداشت محققان از متن مصاحبه‌ها مجدداً در اختیار افراد قرار گرفته و پس از بحث و تبادل دوباره و دریافت بازخورد از پاسخ‌دهندگان، اطلاعات مورد اصلاح و بازنگری قرار می‌گیرد (۱۵).

نتایج و بحث

ترسیم سیمای منطقه مورد مطالعه

وضعیت حمل و نقل

بر اساس مشاهدات گروه تحقیق طی چندین مورد سفر به روستای سیاه‌دره، در پانزده کیلومتری روستا- که جاده منتهی به روستا از همین نقطه از جاده اصلی جدا می‌شود- تردد خیلی کم و محدود بود، به طوری که می‌توان گفت هیچ ترددی در این مسیر وجود نداشت. در مصاحبه‌ها نیز مشخص شد که تردد به شهرهای اطراف از طریق بخش فیروزان انجام می‌شود، بدین گونه که بخشی از سفر به شهر (تا بخش فیروزان) به صورت پیاده‌روی و ادامه آن (با توجه به نبود خودرو شخصی و عمومی در روستا) با خودروهای عبوری فیروزان به مقصد شهرهای اطراف انجام می‌شود.

ساختار کالبدی

مشاهدات گروه تحقیق نشان داد که به لحاظ ساختار کالبدی، حدود نود درصد خانه‌های روستا از خشت و گل ساخته شده بود و فقط تعداد بسیار اندکی از خانه‌ها نوساز بودند. در این روستا، طرح هادی روستایی اجرا نشده بود. از ۲۲ خانوار روستا، هفده خانوار دارای حمام و پنج خانوار فاقد حمام بودند و یا حمام استاندارد نداشتند. برای گرم کردن آب مصرفی، هفده دستگاه آبگرمکن خورشیدی با هدف کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی و حفظ منابع جنگلی به صورت رایگان در اختیار خانوارهای دارای حمام قرار داده شده بود. همچنین، دولت وعده ساخت حمام برای خانوارهای فاقد حمام را داده بود.

وضعیت آموزش

مشاهدات نشان داد که جمعیت کودکان بسیار زیاد و این مسئله نشان‌دهنده نرخ بالای زاد و ولد در روستای مورد مطالعه بود. بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده از دهیار روستا، تعداد

دانش‌آموزان روستا ۴۱ نفر بود. به علت نبود مدرسه، از پایان مقطع ابتدایی به بالا، فقط تعداد بسیار محدودی از نوجوانان و جوانان روستا دارای تحصیلات دبیرستانی بودند، چرا که نزدیک‌ترین مدرسه راهنمایی شبانه‌روزی به روستا در فاصله ۲۵ کیلومتری از روستا واقع شده بود. از طرفی، به دلیل کوهستانی بودن منطقه و پیچ در پیچ بودن جاده، کمتر کسی حاضر بود فرزند خود را برای تحصیل در مقاطع بالاتر از ابتدایی راهی مدرسه کند. طبق اطلاعات اخذشده، همه دختران روستا فقط دارای تحصیلات ابتدایی بودند. همچنین، بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده از دهیار روستا، مشخص شد که به دلیل صعب‌العبور بودن منطقه و دسترسی محدود روستا به شهر، کلاس‌ها و دوره‌های غیررسمی آموزشی - ترویجی در این روستا به‌ندرت برگزار می‌شود و تقریباً می‌توان اظهار داشت که برگزار نمی‌شود.

وضعیت اقتصادی

بر اساس اطلاعاتی که گروه تحقیق از منطقه مورد مطالعه به‌دست آورد، جمعیت روستای سیاه‌دره تا قبل از اجرای طرح حدود ۱۸۰ نفر بود، اما در زمان انجام تحقیق فقط حدود صد نفر ساکن روستا بودند، چرا که به گفته ساکنان، پس از اجرای طرح تعدادی از خانوارها (هفت خانوار) به‌صورت دائم و همچنین، تعدادی از دیگر ساکنان به‌صورت موقت و برای جست‌وجوی کار به شهر مهاجرت کرده‌اند. به دلیل مهاجرت مردان به شهر، غالب جمعیت روستا (حدود هشتاد نفر) را زنان و کودکان تشکیل می‌دادند. بیشتر سرپرستان خانوارها افرادی بودند که قبلاً به دامداری مشغول بودند اما امروزه، با از دست رفتن این شغل، به مشاغلی چون کارگری فصلی کشاورزی در روستاهای مجاور روی آورده‌اند. این نتایج و در کنار آن، مشاهدات گروه تحقیق نشان از وجود نوعی فقر و تنگدستی در روستای مورد مطالعه دارد. نتایج تحقیق نشان داد که خانوارهای ساکن در روستای سیاه‌دره به‌طور میانگین فقط حدود پانصد هزار تومان در ماه درآمد دارند. این در حالی است که بخشی از این درآمد مربوط به یارانه نقدی دریافتی آنهاست.

وضعیت اجتماعی و فرهنگی

در بین اهالی روستای مورد مطالعه نوعی کم‌رویی و دوری جستن از افراد خارج از روستا مشاهده می‌شد، به طوری که بیشتر آنها فقط مایل بودند که از دور شاهد پرسش و پاسخ گروه تحقیق باشند. می‌توان عدم برقراری ارتباط با افراد بیرونی و احساس بیگانگی با آنها را ناشی از کم بودن تردد ساکنان این روستا به شهر و نبود تبدلات فرهنگی روستا با جوامع شهری قلمداد کرد. به گفته ساکنان، تعداد خانوارهای روستا نسبت به قبل از اجرای طرح صیانت از جنگل کمتر شده است.

تحلیل و دسته‌بندی اثرات خروج دام از جنگل

تضعیف و رکود فعالیت‌های دامداری

مصاحبه‌های صورت گرفته تیم تحقیق با اهالی روستا نشان داد که از زمان اجرای طرح، اجازه چرای دام و تهیه علوفه از مراتع و کوه‌های اطراف از ساکنان روستا گرفته شده است و روستاییان حق استفاده و بهره‌برداری از منابع جنگل و مرتع برای تغذیه دام را ندارند. به نوعی مردم این منطقه اجازه نگهداری و پرورش دام برای فروش به بازارهای اطراف و حتی برای نیازهای خودمصرفی را نیز ندارند. این مسئله منجر به بیکار شدن عده‌ای از افراد روستا شده است که تا قبل از اجرای طرح، اقدام به پرورش و نگهداری دام می‌کردند. از سوی دیگر، این موضوع سبب از بین رفتن بازار خرید و فروش دام در روستا و کاهش رونق اقتصادی این بخش شده است.

اثرات مثبت و منفی بر وضعیت مالی روستاییان

در خصوص اثرات مثبت و منفی طرح صیانت از جنگل و خروج دام از جنگل بر وضعیت مالی روستاییان، باید اظهار داشت که اگرچه در ازای اجرای این طرح مبلغ پنج میلیون تومان وجه نقد به سرپرستان خانوارهای روستای سیاه‌دره پرداخت شده است، اما مشاهدات و

مصاحبه‌های گروه تحقیق نشان داد که روستاییان این منطقه به غیر از دامپروری مهارت‌های شغلی دیگری ندارند و در این راستا، آموزش‌های لازم به آنها ارائه نشده است. این موضوع و علاوه بر آن، گرفتن اجازه چرای دام از روستاییان منجر به ناتوانی آنها در سرمایه‌گذاری بهینه مبلغ دریافتی شده است. از سوی دیگر، همان‌طور که اشاره شد، از بین رفتن بازار خرید و فروش دام در روستا موجب کاهش رونق اقتصادی این بخش شده است.

پیدایش معضلات اجتماعی در روستا

چنان‌که اشاره شد، در اثر اجرای این طرح شغل دامداری که تا قبل از اجرای طرح شغل اصلی روستاییان سیاه‌دره به‌شمار می‌رفت، تقریباً به‌طور کامل از بین رفته است. این مسئله در میان مدت و حتی در کوتاه‌مدت رواج فقر در بین اهالی روستا را در پی داشته است. عده‌ای از روستاییان به دلیل از دست دادن شغل دامداری به شهر مهاجرت کرده و بخش دیگری از جوانان روستا در اثر بیکاری به‌وجود آمده به اعتیاد روی آورده‌اند، به‌طوری که وجود اعتیاد را می‌توان در سیمای بسیاری از ساکنان روستا و به‌ویژه مردان جوان مشاهده کرد.

تضعیف روحیه مشارکتی روستاییان در حفظ جنگل‌ها و مراتع

بنا به اظهارات دهیار روستا و چند نفر از مصاحبه‌شوندگان، از زمان اجرای طرح صیانت از جنگل و قرق کردن آن، بسیاری از ساکنان منطقه تعصب و حس مالکیت خود نسبت به جنگل‌ها و مراتع اطراف را از دست داده‌اند. از این‌رو، کاهش مشارکت ساکنان در بهره‌برداری پایدار از جنگل‌ها و مراتع و حتی کاهش مشارکت ساکنان در اطفای حریق جنگل‌ها و مراتع از اثرات اجرای این طرح بوده است. به گفته این افراد، قبل از اجرای چنین طرحی، در صورت بروز مشکلاتی چون آتش‌سوزی، بیشتر روستاییان برای خاموش کردن آن بسیج می‌شدند، در حالی که این احساس مسئولیت در حال حاضر در بین روستاییان به‌شدت افت کرده است.

عدم پابندی سازمان‌های دولتی به تعهدات طرح

بر اساس اظهارات اهالی و نیز دهیار روستا، مسئولان اداره کل منابع طبیعی شهرستان نهاوند در ابتدای اجرای طرح صیانت از جنگل، تعهدات دولت در قبال قرق ۱۱۰۰ هکتار از جنگل‌های منطقه و خروج دام از جنگل را عملی شدن اقداماتی چون پرداخت وجه نقد در ازای اجرای طرح، راه‌اندازی نانویی، برگزاری کلاس‌های آموزشی و یاددهی مشارکی چون خیاطی، عروسک‌سازی، آرایشگری، و قالی‌بافی به زنان و مردان ساکن در روستا، نصب آبگرمکن‌های خورشیدی، کمک به ساخت حمام برای منازل بدون حمام و وعده‌هایی از این دست برشمرده بودند. اما بنا به اظهارات مردم این روستا، بسیاری از وعده‌های بالا، که عملی شدن آنها می‌توانست به تحقق اهداف تعیین‌شده طرح کمک کند، عملی نشده است.

اثرات سوء روحی و روانی

بررسی و تأمل در مصاحبه‌ها و مشاهده وضعیت روحی ساکنان روستای سیاه‌دره نشان از وجود نوعی یأس در بین اهالی این روستا به دلیل عملی نشدن بسیاری از وعده‌های مسئولان داشت، زیرا روستاییان به دلیل گرفته شدن امتیازاتی چون اجازه نگهداری دام و استفاده از جنگل از آنها و از طرفی، عملی نشدن تعهدات طرح توسط مسئولان اجرایی، از پذیرفتن شرایط طرح به شدت ابراز ندامت و پشیمانی می‌کردند. مردم روستا بر این باورند که نارضایتی آنها بدین خاطر است که امتیازهای گرفته‌شده از اهالی روستا بسیار بیش از امتیازهایی است که به آنها داده شده است.

توسعه مفاهیم و طبقات نظریه

در پژوهش حاضر، با استفاده از روش مقایسه، عبارات موجود در مصاحبه‌ها و یادداشت‌های مربوط به مشاهدات بررسی و تحلیل شد. سپس، رمزگذاری در دو سطح باز و محوری انجام گرفت و در نتیجه، مفاهیم، زیرطبقه‌ها و طبقه‌های گسترده‌تر نظریه ایجاد شدند (جدول ۱).

جدول ۱- طبقات گسترده و زیرطبقات حاصل از تحلیل مفاهیم، رمزگذاری باز و محوری

طبقه گسترده	زیرطبقه	مفهوم
ارتباط اشتغال و اقتصاد روستایی	تضعیف و رکود فعالیت‌های دامداری	گرفتن اجازه چرای دام و تهیه علوفه از مراتع و کوه‌های اطراف گرفتن اجازه نگهداری و پرورش دام برای نیازهای خودمصرفی گرفتن اجازه نگهداری و پرورش دام برای فروش به بازارهای اطراف و بیکار شدن عده‌ای از افراد روستا
	اثرات مثبت و منفی بر وضعیت مالی روستاییان	از بین رفتن بازار خرید و فروش دام در روستا و کاهش رونق اقتصادی این بخش پرداخت مبلغ پنج میلیون تومان وجه نقد به سرپرستان خانوارها در ازای اجرای طرح ناتوانی در سرمایه‌گذاری مبلغ دریافتی به دلیل عدم مهارت‌های شغلی به غیر از دامپروری از بین رفتن بازار خرید و فروش دام در روستا و کاهش رونق اقتصادی این بخش
تضعیف مشارکت اجتماعی روستا	پیدایش معضلات اجتماعی در روستا	گسترش اعتیاد در بین جوانان روستا در اثر بیکاری به وجود آمده رواج فقر در اثر از بین رفتن شغل اصلی روستا (دامداری) مهاجرت عده‌ای از روستاییان به شهر به دلیل از دست دادن شغل دامداری
	تضعیف روحیه مشارکتی روستاییان در حفظ جنگل‌ها	کاهش مشارکت ساکنان در بهره‌برداری پایدار از جنگل‌ها و مراتع به دلیل عدم احساس مالکیت نسبت به آنها کاهش مشارکت ساکنان در اطفای حریق جنگل‌ها و مراتع به دلیل عدم احساس مالکیت نسبت به آنها
کاهش اعتماد روستاییان به سازمان‌های دولتی	عدم پایبندی سازمان‌های دولتی به تعهدات طرح	عملی نشدن وعده مسئولان در برگزاری کلاس‌های آموزشی و یاددهی مشاغلی چون خیاطی، عروسک‌سازی، آرایشگری، و قالی‌بافی برای توانمندسازی زنان و مردان ساکن در روستا عملی نشدن وعده مسئولان در راه‌اندازی نانوایی و عدم نیاز روستاییان به تنویرهای محلی
	اثرات سوء روحی و روانی	عملی نشدن وعده مسئولان در کمک به ساخت حمام برای منازل بدون حمام ایجاد احساس یأس در بین روستاییان به دلیل گرفته شدن امتیازاتی چون اجازه نگهداری دام و استفاده از جنگل ایجاد نارضایتی در بین روستاییان به دلیل عدم تعادل بین امتیازهای داده شده و گرفته شده ابراز ندامت و پشیمانی شدید از پذیرفتن شرایط طرح با توجه به عملی نشدن بسیاری از تعهدات مسئولان

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، هجده مفهوم استخراج‌شده از متن مصاحبه‌ها و عبارات در شش زیرطبقه شامل (۱) تضعیف و رکود فعالیت‌های دامداری، (۲) اثرات مثبت و منفی بر وضعیت مالی روستاییان، (۳) پیدایش معضلات اجتماعی در روستا، (۴) تضعیف روحیه مشارکتی روستاییان در حفظ جنگل‌ها و مراتع، (۵) عدم پایداری سازمان‌های دولتی به تعهدات طرح، و (۶) اثرات سوء روحی و روانی دسته‌بندی شدند. همچنین، اثرات طرح خروج دام از جنگل در قالب این شش زیرطبقه، با توجه به ارتباط زیرطبقه‌ها با هم، به لحاظ موضوعی، در سه طبقه گسترده شامل (۱) اثرات طرح بر اشتغال و اقتصاد روستایی، (۲) تضعیف ساختار اجتماعی روستا، و (۳) کاهش اعتماد روستاییان به سازمان‌های دولتی قرار گرفتند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در پژوهش حاضر، بر اساس نتایج تحلیل و دسته‌بندی اثرات خروج دام از جنگل در روستای سیاه‌دره واقع در شهرستان نهاوند، این اثرات در شش دسته شامل (۱) تضعیف و رکود فعالیت‌های دامداری، (۲) اثرات مثبت و منفی بر وضعیت مالی روستاییان، (۳) پیدایش معضلات اجتماعی در روستا، (۴) تضعیف روحیه مشارکتی روستاییان در حفظ جنگل‌ها و مراتع، (۵) عدم پایداری سازمان‌های دولتی به تعهدات طرح، و (۶) اثرات سوء روحی و روانی طبقه‌بندی شدند. در خصوص تضعیف و رکود فعالیت‌های دامداری، می‌توان این نتیجه را با نتایج تحقیقات فاضلی و محمدی پارسا (۱۲)، عظیمی و امیری لمر (۳) و سعیدی و نجفی (۲۸) مطابقت داد، زیرا این محققان نیز بر این باورند که انجام طرح‌هایی چون خروج دام از جنگل و یا اسکان دادن جنگل‌نشینان در خارج از جنگل بدون در نظر گرفتن زیرساخت‌های لازم برای ایجاد اشتغال آنها منجر به از بین رفتن فعالیت اصلی آنها یعنی، دامداری می‌شود. دومین اثر از اثرات این طرح ایجاد تغییرات مثبت و منفی بر

وضعیت مالی روستاییان است. نتایج تحقیقات فاضلی و محمدی پارسا (۱۲)، رضوانی و هاشم‌زاده (۲۶) و تریپ (۳۴) با ایجاد تغییرات مثبت (افزایش درآمد روستاییان) پس از اجرای طرح و نیز مطالعات توحیدی و هم‌کاران (۳۳)، عظیمی و امیری لمر (۳) و یخکشی (۳۸) با کاهش درآمد روستاییان موافقت دارند. اگرچه برخی از این نتایج حاکی از افزایش درآمد روستاییان پس از اجرای طرح است، اما بررسی‌های میدانی گروه تحقیق نشان داد که در حقیقت، نمی‌توان این افزایش درآمد را نتیجه خودکفایی پایدار به‌شمار آورد. به دیگر سخن، افزایش درآمد موقت ایجادشده معمولاً به دلیل مبالغه‌بلعوضی است که به خانوارها پرداخت می‌شود و از آنجا که در زمینه اشتغال و تولید پایدار هیچ‌گونه هدایت و آموزشی به جنگل‌نشینان ارائه نمی‌شود، در درازمدت سطح درآمد افراد به پایین‌تر از دوره قبل از اجرای طرح تنزل می‌یابد. سومین اثر در بین اثرات استخراج‌شده پیدایش معضلات اجتماعی در روستاست که شامل مواردی چون گسترش اعتیاد، رواج فقر در اثر از بین رفتن شغل اصلی و مهاجرت از روستا به شهر است. در واقع، زمانی که امنیت شغلی سرپرست یک خانوار به خطر می‌افتد، احتمال بروز آسیب‌های اجتماعی در جامعه بالا می‌رود. از سوی دیگر، با اجرای طرح خروج دام از جنگل، احساس مالکیت جنگل‌نشینان نسبت به جنگل کاهش می‌یابد. این مسئله موجب تضعیف روحیه مشارکتی روستاییان در حفظ جنگل‌ها و مراتع می‌شود. بروز آسیب‌های اجتماعی در کنار تضعیف روحیه مشارکتی در روستا تضعیف ساختار اجتماعی روستا را به دنبال خواهد داشت. این نتایج با نتایج تحقیقات فاضلی و محمدی پارسا (۱۲)، توحیدی و هم‌کاران (۳۳)، عظیمی و امیری لمر (۳) و ووب (۳۶) همخوانی دارد. همچنین، عدم پایبندی سازمان‌های دولتی به تعهداتی چون ایجاد اشتغال و منبع تأمین درآمد برای روستاییان موجب پشیمان شدن روستاییان از پذیرفتن شرایط طرح و بروز اثرات سوء روحی و روانی در آنها شده است.

با توجه به نتایج تحقیق حاضر، برای رفع مشکلات اجرایی چنین طرحی، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱- برنامه‌ریزی جامع برای سامان‌دهی پرورش دام در منطقه با در نظر گرفتن مسائل زیست‌محیطی:

از آنجا که فعالیت غالب اقتصادی در منطقه مورد مطالعه و بسیاری از دیگر مناطق جنگلی مشابه دامداری است، می‌توان با برنامه‌ریزی همه‌جانبه، بستری را فراهم ساخت که در آن، هم فعالیت دامداری به صورت فشرده و نیمه‌صنعتی انجام شود و هم با نظارت و آگاه‌سازی مردم محلی، حفاظت از جنگل‌ها و مراتع به صورت پایدار رعایت شود.

۲- تلاش دولت برای عملی کردن وعده‌های داده‌شده به جنگل‌نشینان:

قبل از شروع طرح، مسئولان وعده‌هایی چون برگزاری کلاس‌های آموزشی و یاددهی مشاغلی چون خیاطی، عروسک‌سازی، آرایشگری، و قالی‌بافی برای توانمندسازی زنان و مردان ساکن در روستا و همچنین، راه‌اندازی ناوایی برای عدم نیاز روستاییان به تنورهای محلی و جلوگیری از تخریب جنگل‌ها و مراتع را به آنها داده بودند؛ اما نتایج تحقیق حاضر نشان داد که عملی نشدن این وعده‌ها هم سلب اعتماد روستاییان نسبت به دولت را در پی داشته و هم سبب پیدایش نوعی سرخوردگی و یأس و سایر اثرات سوء روحی و روانی در بین جنگل‌نشینان شده است. از سوی دیگر، روستاییان شغل اصلی خود دامداری را بدون هیچ‌گونه آموزشی برای یادگیری مشاغل جدید از دست داده‌اند. از این‌رو، تلاش دولت برای عملی کردن وعده‌های خود به جنگل‌نشینان ضروری می‌نماید.

یادداشت‌ها

1. Participatory Forest Management (PFM)
2. Focus Group Discussion (FGD)
3. data triangulation
4. participant feedback

منابع

1. Angelstam, P., Persson, R. and Schlaepfer, R. (2004). The sustainable forest management vision and biodiversity barriers and bridges for implementation in actual landscapes. *Ecol. Bull.*, 51: 29-49.
2. Azadi, H., Samari, D., Zarafshani, K., Hosseininia, Gh. and Witlox, F. (2012). Sustainable forest management in Iran: a factor analysis. *Sustain Sci. bvx*. DOI 10.1007/s11625-012-0190.
3. Azimi, N. and Amiri Lamer, M. (2008). Evaluation of the Effects of the Livestock Withdrawal Management Plan on Forests in Guilan province: a case study of Central district of Rezvanshahr. *Geographical Research*, 63: 157-171. (Persian)
4. Badrifar, M. and Haghzad, A. (2007). Geographical survey of the socio-economic effects of the project of Livestock Withdrawal from Forest in Kelardasht region (Chalous County). *Geographical Quarterly of Land*, 4(15): 29-46. (Persian)
5. Bo Hansen, R. (2006). Study on the perception of Voluntary Counseling and Testing among people living in Tumu sub-district (Sissala East District, Upper West Region, Ghana). Basic Studies of Social Science, Roskilde University. Gruppe 32, hus 20.2. Available at: <https://core.ac.uk/download/pdf/12516157.pdf>.
6. Cerutti, P.O., Nasi, R. and Tacconi, L. (2006). Sustainable forest management in Cameroon needs more than approved forest management plans. *Ecology and Society*, 13(2): 26.
7. Cotler, H. and Ortega-Larrocea, M.P. (2006). Effects of land use on soil erosion in a tropical dry forest ecosystem. *Chamela Watershed, Mexico, Catena*, 65: 107-117.
8. Dennis, R.A., Meijaard, E., Nasi, R. and Gustafsson, L. (2008). Biodiversity conservation in Southeast Asian timber concessions: a critical evaluation of policy mechanisms and guidelines. *Ecology and Society*, 13(1): 25.

9. Dolman, P.M., Lovett, A., O'Riordan, T. and Cobb, D. (2001). Designing whole landscapes. *Landscape Research*, 26(4): 305-335.
10. Dykstra, D.P. and Heinrich, R. (1996). FAO model code of forest harvesting practice. Food and Agriculture Organization of the United Nations, Rome. 85 p.
11. Faramarzi, H. (2014). Socio-economic appraisal of forest management and livestock withdrawal schemes and the accumulation of scattered households in the Forrest settlement. *Natural Ecosystems of Iran*, 5(4): 77-92. (Persian)
12. Fazeli, M., and Mohammadi Parsa, M. J. (2014). Evaluation of the social impacts of the project of Livestock Withdrawal from Forest, case study: Immigrants from Yinqagh village of Golikish in Golestan province. *Rural Research*, 5(3): 517-540. (Persian)
13. Gibson, L., Lee, T.M., Koh, L.P., Brook, B.W., Gardner, T.A., Barlow, J., Peres, C.A., Bradshaw, C.J.A., Laurance, W.F., Lovejoy, T.E. and Sodhi, N.S. (2011). Primary forests are irreplaceable for sustaining tropical biodiversity. *Nature*, 478: 378-381.
14. Gilanipour, N., Adeli, K., Gilanipour, J. and Aria, H. (2011). Investigating the economic status of rural people and their dependence on forest (case study: Karchi village). *Natural Ecosystems of Iran*, 1(4): 48-54. (Persian)
15. Johnson, R.B. (1997). Examining the validity structure of qualitative research. *Education*, 118(2): 282- 292.
16. Lindenmayer, D.B. and Franklin, J.F. (2002). Conserving forest biodiversity: a comprehensive multi scaled approach. Washington DC: Island Press, 55 p.
17. Lindenmayer, D.B. and Laurance, W.F. (2012). A history of hubris– Cautionary lessons in ecologically sustainable forest management. *Biological Conservation*, 151: 11-16.
18. Moradinejad, S., Gholamrazaei, S., Nazemi, A. and Derrikvand, M. (2013). The new energy is a way to prevent the destruction of forests. *National Conference on Environmental Hazards of Zagros*, Khorramabad, Lorestan

- Governor General's Office of Crisis Management, Zagros Environmental Engineering Society. (Persian)
19. Mortazavi, S.A., Nakhaei, N. and Navazi, M.A. (2007). An economic evaluation of removal of grazing animals from forest area and its consequent effects on production of cattle and sheep. *6th Conference of Agricultural Economics*, Iran, Mashhad. (Persian)
 20. Natural Resources Administration of Nahavand County (2014). Performance report on the implementation of the Plan of Livestock Withdrawal from Forest. Nahavand: Natural Resources Administration of Nahavand County. p. 45. (Persian)
 21. Natural Resources Organization of Mazandaran Province (2010). Statistics and Secondary Data. 45 p. Sari: Natural Resources Organization of Mazandaran Province. (Persian)
 22. Pei, Sh., Zhang, G. and Huai, H. (2009). Application of traditional knowledge in forest management: ethno botanical indicators of sustainable forest use. *Forest Ecology and Management*, 257: 2017-2021.
 23. Puettmann, K.J., Coates, K.D. and Messier, C. (2008). A critique of silviculture: managing for complexity. Washington, DC: Island Press, 49 p.
 24. Rahimian, M., Iravani, H., Kalantari, H. and Etemad, V. (2016). Investigating the factors affecting the sustainable utilization of forest among foresters in Lorestan province. *Agriculture Economics and Development Research*, 3: 673-681. (Persian)
 25. Rametsteiner, E. and Mayer, P. (2004). Sustainable forest management and Pan-European forest policy. *Ecol. Bull.*, 51: 51-57.
 26. Rezvani, M. and Hashemzadeh, F. (2013). Investigating the factors influencing the destruction of pimples and effect of livestock withdrawal from the fields of northern forests of North Iran (Fouman County). *Forest and Wood Science and Technology Research*, 20(3): 125-138. (Persian)
 27. Rishi, P. (2003). What actors think of joint forest management: a perceptual analysis in forest? *Rev*, 5(1): 7-53.

28. Saeidi, H.R. and Najafi, A. (2011). Application of analytic network process (ANP) to determine priority of livestock movement out of forest and forest settlers reorganization (case study: Babakouh district; Guilan). *Iranian Journal of Forest*, 309-321. (Persian)
29. Salam, M.A. and Noguchi, T. (2004). Evaluating capacity development for participatory forest management in Bangladesh's Sal forest based on '4RS' stakeholder analysis. *Forest Policy and Economics*, 8: 785-796.
30. Selman, P. (2002). Multi-function landscape plans: a missing link in sustainability planning? *Local Environment*, 7(3): 283-294.
31. Stupak, I., Lattimore, B., Titus, B.D. and Tattersall Smith, C. (2011). Criteria and indicators for sustainable forest fuel production and harvesting: a review of current standards for sustainable forest management. *Biomass and Bio Energy*, 35: 3287-3308.
32. Thomson, S.B. (2004). Qualitative research: grounded theory– sample size and validity. Dept. of Management. Monash University.
33. Towhidi, M., Yazdian, F., Adarnoosh, M.R., Ishaghi, M., Adil, M.N. and Sadegh Kohistani, J. (2013). Evaluation of the effects of organizing the livestock withdrawal from forest on foresters (case study: Abbasabad Forest). *Natural Ecosystems of Iran*, 3(4): 75-84. (Persian)
34. Trepp, E. (2010). Chandoli national park and resettlement: impacts on local communities in Maharashtra, India.
35. Wolfslehner, B., Vacick, H. and Manfered, J. (2005). Application of the analytic network process in multi-criteria analysis of sustainable forest management. *Forest Ecology and Management*, 207: 157-170.
36. Woube, M. (2005). Effects of resettlement schemes on the biophysical and human environments: the case of the Gambela Region, Ethiopia, and Florida: Universal Publishers Boca Raton.
37. Yaffee, S.L. (1994). The wisdom of the spotted owl: policy lessons for a new century. Washington, DC: Island Press, 78 p.

38. Yakhkeshi, A. (2006). Integrated management in the Caspian forests of northern Iran. Tehran: Mirmaye Publication, 73 p. (Persian)
39. Zandbasiry, M. and Ghazanfari, H. (2010). Development of the most important consequences and factors affecting the management of the local people of Zagros forests (case study: Ghale-Gol watershed of Lorestan province). *Journal of Forest of Iran*, 2(2): 127-138. (Persian)